

Journal of Islamic Human Rights

Volum 1, Consecutive Number 1, 2024

Journal Homepage: <https://islamichumanrights.ir/>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



Online Habitats and the Violation of Women's and Girls' Rights and Human Dignity: A Reflection on Cyber Discrimination

Mohammad Mehdi Seyed Nasser^{ID}

PhD in International Law, Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Dubai, UAE.
sm.snaseri@gmail.com

Abstract

In today's world, human life is remarkably different from the past, shaped by the profound influence of technology and its advancements. Gender equality lies at the core of human rights and the values of the United Nations, leading to the prohibition of gender-based discrimination in nearly every human rights treaty. This principle can be broadly extended to new domains, such as cyberspace. However, the digital environment is not as free and democratic as it could be, particularly for women and girls, where this lack of freedom manifests inversely. Although freedom of expression is safeguarded under the Universal Declaration of Human Rights, in many parts of the world, women cannot exercise this right without fear due to discriminatory actions by states and societies or the inability of governments to promote access and provide support for women and girls at various levels. This research, employing an analytical and descriptive methodology based on library data, seeks to address the primary question: Do women enjoy equal rights and opportunities in cyberspace as men? If not, what forms of discrimination are imposed upon them in the absence of a safe cyber environment? Given the nature of the study, it is essential to note that the research has revealed a tangible form of discrimination in the digital space against women and girls, manifested as a daily phenomenon of violence, particularly as "invisible violence." The findings indicate that virtual discrimination against women and girls is often rooted in male-centered laws and policies. This issue is more pronounced in patriarchal and, especially, religion-oriented societies. Ultimately, in light of the hypotheses and findings, it must be acknowledged that not only are women and girls subjected to discrimination in cyberspace, but this discrimination can also extend into various domains, including physical violence. In some countries, such practices are even legally supported, while in others, there is no such protection at all.

Keywords: Cyber discrimination, online world, women and girls, human rights violations

- Seyed Nasser, M M. (2024). Online Habitats and the Violation of Women's and Girls' Rights and Human Dignity: A Reflection on Cyber Discrimination, *Journal of Islamic Human Rights*, 2(1), 1-21.



مجله حقوق بشر اسلامی

دوره اول - شماره اول - ۱۴۰۳

صفحات ۱-۲۱ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: دریافت ۱۴۰۳/۰۶/۰۵ - پذیرش ۱۴۰۳/۰۹/۲۸ - انتشار ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

زیستگاه‌های جهان آنلاین و نقض حقوق و کرامت انسانی زنان و دختران با تأملی بر تبعیض سایبری

محمد مهدی سیدناصری 

دکترای حقوق بین‌الملل، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات.

sm.snaseri@gmail.com

چکیده

امروزه دنیای انسان‌ها متفاوت از گذشته و تحت تأثیر شگفت‌انگیز فناوری و پیشرفت‌های آن اداره می‌شود. برابری جنسیتی در قلب حقوق بشر و ارزش‌های سازمان ملل قرار دارد. همین امر موجب شده تبعیض مبتنی بر جنسیت تقریباً در هر معاهده حقوق بشر ممنوع اعلام گردد. موضوعی که می‌توان به طور عام بر فضاها و عرصه‌های جدید چون سایبر نیز تعمیم داد. محیط دیجیتال آنقدر که می‌توانست آزاد و دموکراتیک نیست، مخصوصاً این آزادی در حوزه زنان و دختران به شکلی معکوس عمل نموده است. اگرچه آزادی بیان در اعلامیه جهانی حقوق بشر حمایت شده است، اما در بسیاری از نقاط جهان، زنان نمی‌توانند بدون ترس از این حق استفاده کنند، زیرا اعمال تبعیض آمیز دولت‌ها و جوامع، با عدم توانایی دولت‌ها جهت ارتقای دسترسی و حمایت از دختران و زنان به امکانات در سطوح مختلف خود معضلی بازدارنده است. این پژوهش با روشی تحلیلی و توصیفی مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای در صدد است به این پرسش اصلی پاسخ گوید که در فضای مجازی زنان همانند مردان از برابری بهره‌مند می‌باشند؟ در صورت عدم بهره‌مندی از فضای امن سایبر چه تبعیض‌هایی درخصوص آنها اعمال و تحمیل می‌گردد؟ با توجه به ماهیت تحقیق باید اشاره کرد پژوهش نشان داده محیط دیجیتال تبعیض محسوس در قالب خشونت علیه زنان و دختران و به شکل خشونت سفید هر روزه بر آنان روا می‌دارد. داده این پژوهش مبین این واقعیت درخصوص تبعیض مجازی علیه زنان و دختران است که خود قوانین موجبات تبعیض را با رویکردی مرد محور ایجاد می‌کنند. این روند در جوامع مرد سالار و به‌ویژه دین‌محور نمودی جدی‌تر دارد. به هر حال در پرتو پاسخ‌گویی و بیان فرضیه می‌بایست در نهایت اذعان کرد به نظر می‌رسد نه تنها در فضای سایبر بر زنان و دختران تبعیض روا داشته می‌شود که می‌توان تبعیض مزبور را در عرصه‌های مختلف حتی خشونت مشاهده نمود. موضوعی که در برخی از کشورها مورد حمایت تقنینی قرار می‌گیرند و در برخی نیز چنین حمایت‌هایی نیز نمی‌باشد.

کلیدواژه: تبعیض سایبری، جهان آنلاین، زنان و دختران، نقض حقوق

– سیدناصری، محمد مهدی. (۱۴۰۳). زیستگاه‌های جهان آنلاین و نقض حقوق و کرامت انسانی زنان و دختران با تأملی بر تبعیض سایبری، مجله حقوق بشر اسلامی، ۲(۱)، صفحات ۱-۲۱.

مقدمه

دختران، تقریباً از زمانی که تاریخ به یاد دارد، اساساً از حوزه عمومی تبعید شده‌اند. زمانی این عرصه اجتماع انحصاری و محدود به افرادی با موقعیت اجتماعی خاص بود. موضوعی که حذف کامل هرگونه مشارکت دختران در آن صرفاً به این واقعیت بستگی داشت که آنها قبلاً از داشتن چنین موقعیت اجتماعی یا کار در چنین زمینه‌هایی محروم شده بودند. از آنجایی که اینترنت حوزه عمومی را برای کلیه افرادی که می‌توانند به آن دسترسی داشته باشند، از جمله مردانی که موقعیت اجتماعی یا زمینه‌های کاری آنها اجازه دسترسی به آن را نمی‌دهد، باز کرد که در این میان شاید برای اولین بار به زنان به‌خصوص دختران اجازه دسترسی به حوزه عمومی را داد. اما اینکه این دسترسی برای زنان همانند دسترسی مردان و بدون دغدغه و با احترام به حریم شخصی آنها بوده است، پرسشی است که با توجه به مؤلفه مهم تبعیض جنسیتی نهادینه شده در باور جامعه چالش برانگیز است. همان‌طور که در هر حوزه عمومی (خیابان، مکان‌های کار، نهادهای عمومی، سازمان‌های مختلف) مردان همچنان بیشترین تعداد مشارکت را داشته و در مجموع تفوق بیشتری دارند، این موضوع در محیط دیجیتال نیز اتفاق افتاده است. سنت‌های موروثی، عفت تحمیلی بر زنان و ترس از تهدیدهای مستمر از رسوایی ساختگی و عواقب آن، زنان را از حضور بیشتر، مشارکت بیشتر و صدای بلندتر باز می‌دارد. این یکی از بسیاری از اشکال بازتاب مستقیم فرهنگ جنسیتی رایج در جامعه است که سیطره آن بر فضای مجازی نیز گسترده شده است.

بنابراین صحبت درباره زنان و دختران و حریم خصوصی در محیط سایبر مستلزم بازنگری در نگرانی‌های سنتی فمینیستی در مورد عینیت، تبعیت، خشونت و انزوا است. برخی معتقدند «فضای سایر؛ همان فضاهای سنتی را که زنان در آن زندگی می‌کنند تکرار کرده و بنابراین پذیرای همان انتقاداتند. کسانی که نگران خطراتی‌اند که زنان و دختران پشت درهای بسته در دنیای واقعی با آن روبه‌رو می‌شوند، اکنون همان خطرات مشابه را در محیط دیجیتال متوجه زنان می‌دانند.» (۱) تجاوز جنسی، آزار و اذیت جنسی، کنجکاوی غیر قانونی، استراق سمع، آسیب عاطفی و حوادث در فضای مجازی نتیجه واکنش‌ها و تعاملاتی است که در این عرصه اتفاق می‌افتد.

بنابراین فضای سایبری و سایه این همه‌گیری، واقعیتی است که براین پیشرفت سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) بوده و در بادی امر نیز فرصت‌های ارتباط و استفاده از

فناوری اطلاعات و ارتباطات را به روش‌های نوآورانه‌ای ایجاد کرده است. با این حال، فناوری اطلاعات و ارتباطات به طرق مختلف به زنان و دختران آسیب رسانده و آنها را تهدید می‌کند. همان‌طور که در فوق نیز بیان گردید سنت تبعیض میان زن و مرد، دیرینه‌ای است که در خصوص زنان و اقشار ضعیف جامعه، همچون کودکان، در روح اجتماع نهادینه شده است. آنچه بشر امروز در جهت مبارزه با تبعیض به دست آورده نه ریشه کنی تام آن است. بلکه قاعده‌مندی تبعیض است که برآیند آن تنها رویکردهای حمایتی قابل مشاهده می‌باشد. موضوعی که در برخی فرهنگ‌ها و جوامع به‌طور نسبی تام صورت می‌گیرد و در برخی جوامع ضعیف و همراه با شروط و اما و اگرهای بی‌شمار. شواهد زیادی وجود دارد که زنان و دختران در کشورهای غربی نیز قربانی این دیدگاه چه در عرصه واقعیت و چه در فضای دیجیتال می‌شوند، اما در کشورهای در حال توسعه و یا کمتر توسعه‌یافته زنان به‌خصوص دختران قربانی وجود دارند که نسبتاً از حمایت قانونی کمتری نسبت به همجنسان خود در غرب برخوردار هستند. بنابراین تبعیض علیه زنان و کودکان در فضای مجازی در اشکال مختلف صورت می‌پذیرد اما الگوهای حکمرانی خوب از قربانیان حمایت می‌کند، اما حکمرانی بد و پیوند خورده با باورها و سنت‌های زن‌ستیزانه و قیم‌مآبانه مردسالار (مثل دیدگاه‌های ایدئولوژیک عرفی و دینی) آنها را رها کرده و در نهایت ممکن است حمایت‌های جزئی کرده و در سیستم‌های ایدئولوژیک زنان خود مقصر ماجرا جلوه داده می‌شوند.

خشونت به کمک فناوری علیه زنان و کودکان به‌عنوان یک مشکل جهانی با پیامدهای جدی برای جوامع و اقتصادهای سراسر جهان در حال ظهور است. اکنون گزارش‌ها حاکی از آن است که ۸۷ درصد از زنان در معرض نوعی خشونت آنلاین قرار گرفته‌اند. این آمار خطرانی را برای صلح و رفاه برای همگان ایجاد کرده و مقررات مندرج در منشور ملل متحد به مثابه قانون اساسی جهانی که در راستای اهداف توسعه فراگیر و پایدار جهت نیل به برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان بوده و آنها را کلید دستیابی به آن قرار می‌دهد، به همراه دارد. به نظر می‌رسد آدمی به واسطه هیپنوتیزم عصر تکنولوژی، از فروغی که جوهره وجودی اوست دور شده اما نباید فراموش کرد که تکنولوژی بیشتر از آنکه ذاتاً فناورانه باشد ماهیتی اخلاقی و فرهنگی و انسانی دارد. فناوری به خودی خود بد نیست بلکه نحوه استفاده از آن است که بسیار مهم است. فناوری عالی است اما اگر تحت کنترل ما باشد.

۱. پیشینه تحقیق

تساوی و برابری جنسیتی در قلب حقوق بشر و ارزش‌های سازمان ملل متحد قرار دارد. همین امر موجب شده تبعیض مبتنی بر جنسیت تقریباً در هر معاهده حقوق بشر ممنوع اعلام گردد. موضوعی که می‌توان به‌طور عام بر فضاها و عرصه‌های جدید چون سایبر نیز تعمیم داد. علی‌رغم پیشرفت‌های زیادی که در تأمین حقوق زنان در سطح جهان به دست آمده است، میلیون‌ها زن و دختر همچنان با تبعیض و خشونت مواجه هستند و از برابری، کرامت، استقلال و حتی زندگی محروم هستند. این موضوع در فضای مجازی به مراتب گسترده‌تر و اشکال تبعیض با انواع مختلف خشونت درهم آمیخته تا دغدغه‌ای جدید برای جنبش‌های پسا فمینیستی ایجاد نماید. درخصوص این پژوهش می‌توان سوابقی پژوهشی را بیان نمود که در ذیل به برخی از آنها به فراخور تأثیر در بیان اهمیت موضوع اشاره می‌شود:

گری و پاترا (۲۰۱۹)، در پژوهشی با عنوان: «حفاظت از زنان و دختران در فضای سایبری: توهم یا واقعیت؟» معتقدند: قربانیان اصلی محیط دیجیتال زنان هستند که در شبکه‌های اجتماعی مورد سوء استفاده و آزار و اذیت قرار می‌گیرند و به دلیل فقدان شواهد و یا گاه ترس از افترا و بسیاری از این دلایل، عاملان جرم در قبال تخلفات خود پاسخگو نبوده و عدالت از آنها سلب می‌شود.

داریا، اوایلا، (۲۰۱۸)، در مقاله‌ای با عنوان: «آزار جنسی در فضای مجازی: مورد مطالعه مجله پیکارا» درواقع این مقاله با استفاده از مورد مجله پیکارا (مجله الکترونیکی فمینیستی اسپانیایی) تحلیلی از آزار جنسی در اینترنت ارائه می‌دهد. نظرات ارسال شده در این مجله آنلاین در طول سال ۲۰۱۵ از منظر کیفی (با استفاده از روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای) با تمرکز بر کشف مقوله‌های گفتمانی اصلی مرتبط با رفتارهای آزاردهنده و همچنین راهبردهای مختلف واکنش و مقاومت تحلیل شده است.

۲. عصر انقلاب صنعتی چهارم و جایگاه جنسیت در جهان آنلاین

در ابتدای سال ۲۰۰۰، گسترش جهان آنلاین، کاتالیزور توسعه دموکراسی، برابری و توانمندسازی جدیدی ورای جنسیت امکان دسترسی به اطلاعات و حمایت اجتماعی را فراهم نمود. بنابراین، محیط‌های تعامل آنلاین به‌عنوان فضاهایی معرفی شدند که افراد و

گروه‌های مورد انگ یا طرد شده اجتماعی توانستند آزادانه در آن شرکت کرده و نظرات خود را بیان نمایند. موضوعی که در بادی امر زنان، اقلیت‌های جنسی، مذهبی و نژادی جامعه را دربر گرفت. این فضا مبنای امیدی شد که با ابزار جدید تبعیضی که به اندازه تاریخ بر این اقلیت‌ها تحمیل شده بود مبارزه کند. در این راستا و در بازخورد با اقلیت‌های جنسیتی چون زنان استدلال شده است که جنبش‌های اجتماعی همچون فمینیسم پتانسیل اعمال نفوذ جهت رسیدن به سطح بالاتری از تعامل در این فضا را فراهم کردند. در مقابل برخی معتقدند؛ فضای مجازی و سایر به زیستگاه‌های سیاسی تبدیل شدند که در نهایت نقش‌ها، درگیری‌های اجتماعی، تبعیض، نابرابری و قدرت را بازتولید کرده است. بنابراین نتیجه می‌گیرند که رسانه‌های اجتماعی درواقع منطقه‌ای ارتباطی، جایگزین و آزاد برای بهبود دموکراسی نیستند. در این فضا نیز صداها بی بلند شنیده می‌شود که گفتمان‌های هژمونیک و روابط سنتی مبتنی بر تبعیض‌هایی چون تبعیض جنسیتی را در جامعه تشویق کرده و ترویج می‌دهند. با این وجود، محیط دیجیتال این پتانسیل را دارد که گفتمان‌های مسلط را با کمک انعطاف‌پذیری آنلاین با زعامت اشخاص جایگزین (در این مجال مدیریت زنان بر این حوزه) به چالش بکشد. می‌توان ادعا نمود که فضای مجازی بر روابط قدرت هم از نظر گسترش هژمونی قدرت مسلط و هم تشویق مخالفت با هژمونی تأثیرگذار است. چرا که در این مقطع هر دو خوانش را بدون تبعیض منتشر می‌کند. اما اینکه در ورای این فضا و در وضعیت واقعی افراد مخالف تا چه سطح آسیب می‌بینند، کنترل نشده بوده و خود مسبب تبعیض می‌باشند. در این مجال حکمرانی خوب اگر واسطه گردد می‌تواند از صداها جایگزین و ضعیف و بالطبع مخالف حمایت نماید و گرنه این صداها بستگی به میزان آسیب ضعیف و ضعیف‌تر می‌شوند. با این اوصاف از آنجایی که این فضا یکی از ابزارهایی است که برای انتشار دیدگاه‌ها استفاده می‌شود، می‌تواند گفتمان‌هایی ایجاد کند که نه تنها برای قدرت‌های مسلط در این موضوع صداها جنس مردم‌محور) بلکه برای مبارزات مخالفان نیز کاربردی می‌باشد. (۲)

بنابراین به طرز متناقضی، در حوزه مبارزه جنسیت محور، دنیای آنلاین به عرصه‌ای تبدیل شده که در آن می‌توان نظرات را آزادانه بیان کرد و دید را بهبود بخشید. اما مانع این بحران نمی‌گردد که خود تبدیل به یک انجمنی می‌شود که در آن گفتمان‌ها و شیوه‌های آشنا در اشکال خاصی از تبعیض جنسیتی بازتولید شده که به نوبه خود در معرض مشاهده

بیشتری قرار می گیرند. مجدد در تبعیض جنسیتی مشاهده می شود که قربانی کردن زنان و دختران در این فضا نیز به عنوان یک عمل قدیمی صورتی نوین یافته که هنوز در اشکال متفاوت ادامه دارد موضوعی که می توان امروزه در شیوه های آزار و اذیت مشاهده کرد. (۳) این خوانش از جنسیت در فضای مجازی بیشتر از هر زمان ما را به این اعتقاد از استلا و کاماری می اندازد که بیان می کنند: «موقعیت زنادرختران و همواره آسیب پذیر بوده است. حتی اگر گفته شود زنان از جنبه های مختلف با مردان برابر هستند، باز هم راههای جدیدی برای سرکوب آنها وجود دارد و در زمان، مکان و حالتی متفاوت فوران می کند.» (۴) بنابراین استفاده از فضای سایبری و ویژگی های همراه آن همچنان بر جنبه های اجتماعی و فرهنگی جامعه تأثیر منفی می گذارد. جنسیت در این عرصه همانند شکل سنتی با الگویی متفاوت متحمل خشونت هایی می گردد که نه تنها به این افراد که به اطرافیان آنها نیز صدمه و لطمات روحی و عاطفی می زند.

۳. قلمرو شناسی محیط دیجیتال و منزلت زنان و دختران با نگاهی تأملی بر نقش عدالت توزیعی

همان طور که بیان شد، فضای مجازی به دنیای آنلاینی اطلاق می شود که در آن کاربران مکانیسم هایی را برای انجام هرگونه فعالیت شخصی به طور راحت و آزادانه دارند. تنها با یک کلیک ماوس، فضای مجازی به ما انسان ها، شرایطی را اعطا می کند که فارغ از هرگونه محدودیت بتوانیم قلمروهای اندیشه و خیال را به صورت سایه ای از یک جسم درنوردیم. اما در عین حال، پیامدهای اجتماعی، سیاسی، اخلاقی خاصی را در پی داشته که زندگی افراد بسیاری را رنج آور و مصیبت بار کرده است. در این میان قربانیان اصلی فضای مجازی زنان هستند که از طریق شبکه های اجتماعی مورد آزار و اذیت قرار گرفته و در مقابل به دلیل عدم توانایی بر اثبات و یا نبود شواهد بزه دیده مکرر می شوند. گاهی نیز از ترس افترا، و بسیاری از دلایل دیگر، موجب می شود که مجرمان در قبال اعمال ناشایست خود پاسخگو نبوده و بنابراین عدالت از قربانیان سلب می شود. (۵) از منظری قلمروشناسی هنوز مردان به دلیل سلطه سنتی خود فضای مجازی را قلمرو بی چون و چرای خود دانسته که این نگرش موجب شده زنان و دختران را در این فضا مورد آزار و اذیت قرار داده و خشونت بی حصر بر آنها تحمیل کنند.

اگر بخواهیم به نگاهی عملگرا به موضوع بنگریم می‌بایست اذعان نماییم ارتباط متقابل اعطا شده توسط فضای مجازی به زنان کمک کرد تا داستان‌های خود را به صورت آنلاین به اشتراک بگذارند و این امکان را به آنها می‌داد که فوراً توسط جامعه آنلاین شنیده یا خوانده شوند. (۶) اما اینکه همین میزان جهت‌گیز از تبعیض کافی بود را می‌بایست در اشکال زن‌ستیزانه فضای سایبر با رهبری مردان قضاوت کرد. چرا که - همان‌طور که بیان شد - بلافاصله شاهد نهادینه شدن الگوی بدرفتاری و خشونت جنسی در سرتاسر جهان علیه زنان و دختران در این فضا بود که موجب ایجاد دردهای روحی و جسمی هم بر مردان و هم زنان می‌شد.

پس باید ادعا نمود تمایزات مهمی بین تنوع جنسیتی، تساوی، برابری، تشابه و همخوانی و مشارکت زنان و دختران وجود دارد. بنابراین عدالت در این حوزه ایجاب می‌کند که گاهی اوقات و یا حتی همواره این اصطلاحات به جای یکدیگر و در قلمروهای مفهومی یکدیگر جای نگیرند که در نهایت، برابری جز تبعیض برای آن متصور نیست. از این نظر که ممکن است برخی از آنها «جاه‌طلبانه» تر از دیگران در نظر گرفته شوند یا حساسیت‌های فرهنگی را القاء نمایند. به‌عنوان تبیین بحث بایست افزود تنوع جنسیتی فضایی برای دیدگاه‌ها و ورودی‌های افراد براساس ویژگی‌ها یا خصیصه‌های جنسیتی متنوع را تشویق کرده و فارغ از وجود دردهای زندگی واقعی در فضای مجازی سعی می‌کند به آرامشی هرچند غیر واقعی برسد. چرا که در آن هویت جنسی خود را بدون ترس از نگاه‌های تبعیض‌آمیز آشکار کرده و به همگان نشان دهد. تساوی جنسیتی اغلب برای حمایت از نسبت مشارکت ۵۰/۵۰ بین دو جنس در یک محیط معین استفاده شده است. به‌طور مشابه، مساوات محوری تأکید می‌کند که همه جنسیت‌ها منابع یا حقوق یکسانی دریافت می‌کنند. در حالی که برابری به معنای عادلانه بودن رفتار با همه جنسیت‌ها براساس نیازهای مربوطه است. موضوعی که در خوانش دینی به ویژه دین اسلام بر پایه فلسفه خلقت تفسیر می‌گردد. مشارکت زنان همواره برای برابری زنان با مردان و مبارزه با تبعیض ضروری است. مشارکت به این معناست که خود زنان بتوانند نیازهای منحصر به فرد خود را شناسایی کنند. (۷) بنابراین در این حوزه بسیار پیچیده و سخت است که چه دیدگاه و مفهومی با محوریت عدالت توزیعی در جنسیت را باید در قلمروهای مختلف مجازی تفسیر نمود که در نهایت گرفتار نگاهی قیم‌مآبانه و مردمحور در مقابل زن و دختر ستیزی و

اعمال و تحمیل تبعیض بر آنها نشویم. چرا که ورود به عرصه تبعیض ناخواسته توجیه مسیری خواهد بود که برآیند آن ممکن است خشونت علیه زنان در فضای سایبر که شکلی مخرب‌تر دارد، شود.

البته هرچند سعی می‌شود تفاسیر مشخصی از مفهوم‌سازی جنسیت و تعیین منفک آن در فضای سایبر شود و زنان نیز در این مسیر راهبری مداوی دارند، اما خشونت اینترنتی علیه زنان و دختران، به امری رایج تبدیل شده است. براساس تحقیقات دانشگاه جورجیا درباره «خشونت اینترنتی علیه زنان و دختران»، بسیاری از مردان اینترنت را قلمرو خود می‌دانند و میل به سرکوب زنانی دارند که وارد قلمرو آنها می‌شوند. این میل در محیط‌های واقعی هم در مردان دیده می‌شود، اما در دنیای واقعی بسیاری از مناسبات به مردان اجازه سرکوبگری نمی‌دهد؛ در حالی که ناشناس بودن در جهان آنلاین، راه را برای آزار و اذیت پشت هویت‌های مجازی باز می‌گذارد. از آنجا که افراد می‌توانند در فضاهای مجازی هویتشان را پنهان کنند، راحت‌تر مزاحمت ایجاد می‌کنند. آنها معمولاً سعی می‌کنند کاربران دیگر را مجبور به برقراری ارتباطی کنند که مایل به آن نیستند و پس از مدتی کاربران را تهدید به پخش اطلاعاتی می‌کنند که از ارتباط با آنها یا به طرق غیرقانونی مثل هک کردن به دست آورده اند و از این راه باج‌خواهی می‌کنند. (۸)

۴. طی طریق در عدالت جنسیتی در عصر انقلاب دیجیتال و استنباط افق هنجاری تمهیدی

پاسخ‌های ابتدایی فمینیستی به انقلاب تکنولوژی تا حد زیادی در مورد پتانسیل فناوری‌های دیجیتال، به ویژه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (ICT) برای توانمندسازی زنان و تغییر روابط جنسیتی خوش‌بینانه بود. فضای سایبر به نظر یک فضای نوین و بی‌طرف از جنسیت بود که در قالب یک پلت فرم دمکراتیک و رهایی بخش در فضایی مجازی ظاهر شده بود. به این ترتیب، تعدادی از ابتکارات و پروژه‌ها برای پیگیری و پیشبرد توانمندسازی دیجیتال زنان انجام شده است. به عنوان مثال می‌توان به برنامه «زنان و دختران مرتبط» که با اپراتورهای تلفن همراه همکاری می‌کند تا موانع دسترسی و استفاده زنان از اینترنت تلفن همراه، به ویژه خدمات مرتبط با هزینه‌های تلفن همراه، در کشورهای با درآمد کم و متوسط (LMICs) را برطرف نماید. علاوه بر این، پروژه «شکاف‌های جنسیتی دیجیتال:

جهت اندازه‌گیری نابرابری‌های جنسیتی دیجیتال در زمان واقعی» با هدف ردیابی پیشرفت نابرابری‌های جنسیتی در دسترسی و استفاده از اینترنت و تلفن همراه، اندازه‌گیری مشارکت زنان در انقلاب دیجیتالی انجام می‌شود. اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد^۱ با اذعان به پتانسیل گسترده فناوری‌های دیجیتال، به ویژه تلفن‌های همراه، متعهد شد که «استفاده از ... اطلاعات و فناوری ارتباطات را برای ارتقای توانمندسازی زنان و دختران افزایش دهد. بنابراین ابزارها، برنامه‌ها و چارچوب‌های مرتبطی وجود دارد که سیاست‌گذاران در امنیت سایبری جهانی می‌توانند هنگام تلاش برای پیشبرد دیدگاه جنسیتی، در امنیت سایبری چندجانبه، چه به‌عنوان منبع اطلاعاتی و چه برای ایجاد انسجام سیاست‌ها حرکت‌هایی عملگرایانه حتی تقنینی در این حوزه داشته باشند. با وجود نیت خوب و موفقیت‌های جزئی این ابتکارات، نابرابری در دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات، و علاوه بر آن کنترل مردان بر استفاده زنان از فناوری اطلاعات و ارتباطات، همچنان ادامه دارد. (۹). زنان «فناوری اطلاعات و ارتباطات برای حقوق زنان» - همراه با ابتکارات دیگری که در جهت توانمندسازی دیجیتال زنان مورد استفاده قرار می‌گیرد - به‌عنوان یک موضوع «قابل دسترسی» به صورت محدود در نظر گرفته می‌شود. نقدهای فمینیستی نیز بر لزوم حرکت فراتر از مسائل دسترسی (و مقرون به صرفه بودن) برای پرداختن به مسائل قدرت و نابرابری تأکید می‌کند. این معادله با هنجارسازی برابری حقوق زنان در فضای مجازی جهت پیشگیری از تعرض و خشونت اگر کارایی مطلق نداشته باشد، قابل اعتماد است. چرا که همان‌طور که اشعار گردید صرف قابلیت دسترسی نمی‌تواند مؤثر باشد. چرا که ممکن است دسترسی به امکانات وصل شدن به این فضا وجود داشته باشد، اما محدودیت‌هایی چون محدودیت تحمیلی از سوی پدر، شوهر و ... این دسترسی را سالبه به انتفاع موضوع قرار دهد. همچنین ممکن است هیچ‌یک از این محدودیت‌ها وجود نداشته باشد، اما حضور در فضای مجازی موجبات لطمات روحی و تجاوزهای کلامی را ایجاد کند.

یک چارچوب مفهومی جهت شکل‌دهی اجتماعی، که از طریق یک لنز متقاطع (تکنو) فمینیستی درک می‌شود، به تأثیر متقابل و پیچیده میان جنسیت و دیجیتالی‌شدن اذعان دارد، این تأثیر متقابل نشانه‌ای از دور شدن آشکار جبرگرایی تکنولوژیکی نیست که ممکن است بر مدار تبعیض جنسیتی بنا نهاده شود. بلکه اقتدارگرایی دیجیتالی است

۱. the UN Sustainable Development Goals (SDGs)

که کما فی السابق در دستان نگرش‌های مردسالارانه است. با این حال تلاشی که صورت می‌گیرد، این مهم است که چگونه فناوری‌های دیجیتال را می‌توان برای تسریع پیشرفت به سمت برابری جنسیتی و فرصت‌های برابر به جای جذب شدن در ساختارهای قدرت مسلط مهار کرد. (۱۰).

۵. چیرگی مردسالارانه در اقتصاد دیجیتال؛ وعده محقق نشده در همسانی

جنسیتی

گزارش‌های سال ۲۰۲۴ مجمع جهانی اقتصاد نشان می‌دهد که بیش از ۵۷ درصد از مشاغل که قرار است با اتوماسیون دیجیتال از هم‌اکنون تا سال ۲۰۲۶ جابه‌جا شوند، متعلق به زنان است. سهم بسیار کم در مشاغل فناوری پیشرفته یعنی ۲۲ درصد برای زنان (وظایف غیر معمول و شناختی) که در اقتصاد دیجیتال مورد تقاضا می‌باشند، جایی که گسترش اشتغال و افزایش دستمزد واقعی بسیار سریعتر اتفاق می‌افتد. همچنین گزارش سال ۲۰۲۰ مجمع جهانی اقتصاد^۱ در مورد آینده مشاغل نشان می‌دهد که مردان در صناعی همانند اطلاعات و بیوتکنولوژی تسلط دارند. این موضوع همراه با ناکامی پایدار زنان در رسیدن به بالاترین سطح از حرفه‌های تخصصی حتی در بخش‌های بهداشت و آموزش است. مسئله‌ای که به نظر به تسریع معکوس شدن برابری جنسیتی به تبعیض دیجیتال در مورد زنان و دختران پس از سال‌ها پیشرفت کمک می‌کند. (۱۱) اگرچه بسیاری از پیش‌بینی‌های آینده کار مبتنی بر تحلیل کشورهای توسعه‌یافته و اقتصادهای بریکس است. حتی با وجود محدودیت‌های موجود در داده‌ها و پیش‌بینی آینده شغلی زنان و دختران در انقلاب صنعتی چهارم ممکن است متضمن معکوس شدن دستاوردهای برابری جنسیتی در حقوق و موقعیت این قشر گسترده در جامعه باشیم. در بازسازی اقتصادی فراگیر عصر دیجیتال، ما شاهد یک پیکربندی مجدد رادیکال در زنجیره جهانی کار هستیم. افزایش دیجیتالی شدن و پلتفرم‌سازی کار، چارچوبی از «کار خرد» را به بازار کار سرگردان تسهیل کرده است. در حالی که کار خرد اغلب به عنوان راه‌حلی برای رهایی زنان و جوانان از فقر مطرح شده است، اما این وعده با این رویکرد نه تنها محقق نمی‌شود که چالش بیکاری را به همراه

۱. World Economic Forum (WEF)

دارد. (البته نیاز به پیش‌بینی در چشم‌اندازهای افق‌محور نیست. برای کشورهایی که با طعم فیلترینگ آشنا هستند؛ انهدام و نابودی مشاغل دیجیتال که از طرف زنان خودسرپرست و بی‌سرپرست ادراه می‌گردد قابل لمس است.) محققانی که بر روی نیروی کار دیجیتال کار می‌کنند، نشان داده‌اند که چگونه پلتفرم‌های منتهی بر توسعه کار خرد دستمزدها را به سمت نزولی سوق می‌دهد، زیرا فعالان این عرصه دارای قدرت چانه‌زنی کمی هستند. (۱۲) اگر این وضعیت نابسامان تبعیض‌محور را در قالب رقابت‌های جهانی و آنچه گراهام به‌عنوان «اقتصاد سیاره‌ای» می‌خوانند قرار دهیم، موقعیت زنان بیش از پیش متزلزل‌تر می‌گردد. رقابت جهانی در بازار کار سیاره‌ای فشار نزولی عظیمی بر دستمزدها و شرایط کار وارد می‌کند. (۱۳) این در حالی است که در آن زمان یافتن افرادی که با حداقل دستمزدهای مرتبط به مقررات داخلی کار کرده یا ۴۸ ساعت شیفت می‌دهند، غیرمعمول نیست. زیرا محیط کاری بسیار نامطمئن باعث می‌شود که آنها نگران شیفت بعدی خود باشند. حال این فضای تبعیض‌آمیز در بازخورد با زنان به مراتب تبعیض محسوس‌تر را ایجاد می‌کند. از آنجایی که شبکه‌های تولید به سرعت خود را در سطح جهان دوباره پیکربندی می‌کنند و مشاغل به همان سرعتی که ایجاد می‌شوند از جنبه‌ای دیگر موضوعیت خود را از دست می‌دهند، برای کارفرمایان اهمیت چندانی ندارد که نیروی کار استفاده نشده باقی بماند. به ویژه که فضای دیجیتال با تکنولوژی هوش مصنوعی چالش‌های ژرف کارفرمایان در مواجهه با کارگران را نیز در حال مرتفع می‌کند.

۶. ایران و جرم‌انگاری تقصیر مدار در آینه افتراق جنسیتی زنان و دختران در

فضای برخط

شاید در وهله نخست آنچه موجبات تبعیض علیه زنان و دختران را ایجاد می‌کند، خود قوانین هستند که خواسته و یا ناخواسته عملکرد افراد را در مضيقه انداخته و آنها را در مقابل قانون قرار می‌دهد. در مورد فضای مجازی و زنان نیز همین امر صورت پذیرفته است. چرا که قوانین و نحوه انشاء آن به گونه‌ای است که در بادی امر هرگونه رفتار شاذ و برخلاف شئون قانونی در فضای مجازی به دلیل عملکرد خود فرد تفسیر می‌گردد. بنابراین موضوعات جنسی سوژه‌های مناسبی هستند که با قانون، رفتار زنان و حتی کودکانی که در این فرآیند به هر طریق فریب خورده‌اند، را تخطئه می‌کند. به هر جهت در

ابتدا می‌توان این قوانین را در حقوق کیفری به شرحی بیان نمود که نه تنها به نظر از زنان حمایتی به عمل نمی‌آورد که ماهیت و واکنش تعصب محور آن زنان را در این فضا (برخط) مقصری ذاتی جلوه می‌دهد.

ماده‌ی ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی تظاهر به عمل حرام به صورت علنی در انظار و اماکن عمومی و معابر را جرم دانسته و ده روز تا دو ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق علاوه بر کیفر عمل مجازات تعیین کرده است. هرچند عده‌ای برآنند که این ماده در مقام بیان اعمالی است که قبلاً جرم‌انگاری شده باشند اما به نظر می‌رسد ماده مذکور به طور مطلق ارتکاب تمام افعال حرامی که متظاهرانه باشد [اعم از فضای مجازی و غیرمجازی] را مستوجب تعزیر شرعی دانسته است و تنها مقید آن، عنوان فصل و ترتیب مواد قبلی و بعدی است که اطلاق عمل حرام را به اعمال خلاف عفت و اخلاق عمومی محدود می‌کند. برای شمول این حکم بر تن نمایی مجازی، می‌بایست یکی از شروط «انظار و اماکن عمومی» و «معابر» با «فضای مجازی» تطبیق داشته باشد. اینکه دو واژه «معابر» و «انظار» به همدیگر عطف شده‌اند، تلازمی با همبستگی آن دو ندارد و حرف عطف «و» برای تسری قید «عمومی» به انظار است و می‌توان تا حدودی گروه‌های موجود در برنامه‌های مجازی را با «انظار عمومی» تطبیق داد. در فضای مجازی محیطی که شامل بیش از دو عضو باشد، گروه نامیده می‌شود، ولی ممکن است گروهی به صورت عمومی نباشد؛ لذا به نظر می‌رسد، دسترسی عموم افراد به محدودهای خاص در فضای مجازی و ورود یا عضویت بدون شرط آنها در آن گروه یا شبکه اجتماعی می‌تواند آن فضا را به «انظار عمومی» تبدیل کند؛ برای مثال وبلاگ یا سایت و یا کانال‌های عمومی در شبکه اجتماعی تلگرام چنین هستند. (۱۴) تبصره این ماده نیز مقرر می‌دارد: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.» نکته اصلی و حائز اهمیت در شمول این تبصره به محیط دیجیتال، امکان گسترش مفهوم «معابر» و «انظار عمومی» به فضای مجازی است که البته به نظر برخلاف اصول اولیه جزایی چون اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها باشد. به هر حال چنان که گذشت، در فضای مجازی تارنماها و وبلاگ‌ها و کانال‌های تلگرامی که مستقیم در دسترس آزادانه کاربران هستند، می‌تواند انظار عمومی تلقی شود. ممکن است تصور شود احکام این تبصره به فضای سایبر تسری نمی‌یابد، چرا که سیاق عبارات تبصره به

نحوی تنظیم شده که ناظر بر حضور فیزیکی زن در معابر و انظار عمومی بدون حجاب شرعی است، لکن این مقدار از دلالت ضعیف به اصطلاح اشعار در استدلال حجت و معتبر نیست و واقعیت این است که ظاهر شدن نیازمند قرار دادن جسم خود بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی نیست، زیرا در صدر ماده متعلق تظاهر عمل حرام بود و ارسال تصاویر فاقد حجاب شرعی می‌تواند مشمول آن قرار گیرد. (۱۵)

با توجه به کلیاتی که در فوق بیان گردید جرم تن‌نمایی مجازی در شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌تواند عنوان مجرمانه به خود گرفته و در چهارچوب پدیده مجرمانه مورد بررسی قرار گیرد. لذا برای بررسی عناصر مشکله آن با توجه به آنچه در فوق آمد بایست ابتدا عنصر مادی را در کنار آنچه به‌عنوان عنصر قانونی بیان شد مورد تحلیل قرار داد. بدو شاین ذکر است در عنصر مادی امور متعددی مانند رفتار مرتکب جرم، موضوع مادی جرم، شخصیت بزه‌کار و بزه‌دیده، ابزار مادی جرم و نتیجه مادی جرم و ... مدنظر است. (۱۶)

در این عرصه نخستین و مهمترین مسئله، تعریف رفتار مجرمانه است. مقصود از رفتار، عمل فیزیکی است که باید از ناحیه افراد انجام شود تا بتوان آنها را مجرم دانست و بیشتر حقوقدانان آن را به دو شکل فعل و ترک فعل دسته‌بندی می‌کنند. لکن این جرم تنها از طریق فعل است و از طریق ترک فعل امکان‌پذیر نیست. تفاوت میان تن‌نمایی و هرزه‌نگاری این است که در هرزه‌نگاری مباشرت صاحب تصویر در رفتار مجرمانه شرط نیست، لکن در تن‌نمایی لزوماً خود شخص مبادرت به انتشار تصاویر خود می‌کند و این موجب خواهد شد که امکان تحقق آن از طریق ترک فعل وجود نداشته باشد. رفتار تشکیل‌دهنده عنصر مادی تن‌نمایی مجازی زنان عبارت است از ارائه یا ارسال، در دسترس قرار دادن، توزیع، معامله و یا انتشار داده‌هایی که حاوی تصویر خود بدون رعایت پوشش شرعی از سوی مرتکب باشد. (۱۷) در این عمل، داده‌های حاوی تصویر فاقد حجاب شرعی مرتکب، موضوع جرم هستند. باید توجه داشت که موضوع این جرم یک امر مطلق بوده و بنا به ادله فقهی و شرعی میزان حدود حجاب شرعی به طور کامل مشخص است. مواردی نظیر هویدا و آشکار بودن تمام یا حتی بخشی از موی سر، نمایان بودن گردن و سینه یا اندام‌ها در تصویر از مصادیق این جرم می‌باشد که تشخیص آن بر عهده دادگاه است. براساس ماده ۳ قانون مجازات اسلامی که بیانگر اصل صلاحیت سرزمینی است، کلیه زنانی که در قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی هستند، مکلف به رعایت حجاب شرعی در

فضای مجازی خواهند بود و عواملی نظیر «مذهب» و تابعیت نمی‌توانند مدخلیتی در این تکلیف داشته باشند. (۱۸)

در عمل تن‌نمایی مجازی شخصیت مخاطب نیز مهم است، زیرا اگر مخاطب داده‌های ارسالی از محارم سببی یا نسبی مرتکب باشد، وقوع جرم منتفی است، به شرط اینکه در محدوده مجاز محارم انجام شود والا تن‌نمایی در برخی محدوده‌های بدن جز بین زن و شوهر جایز نیست و می‌تواند مشمول این جرم باشد. با تحقق این جرم، به سلامت روانی و امنیت اخلاقی جامعه تعرض شده و به این حوزه‌ها آسیب وارد می‌شود؛ لذا این جرم در عداد جرایم عمومی و غیرقابل گذشت بوده و تعقیب کردن مرتکب آن نیازمند طرح شکایت از سوی شاکی خصوصی نیست (۱۹). فلسفه جرم‌انگاری آن نیز همین صیانت از اخلاق جامعه است که اخلال در آن، موجب جرایم بسیار دیگر است.

در این راستا وسیله مادی ارتکاب جرم به این شکل می‌باشد که؛ هرچند همچون برخی جرایم مانند کلاهبراری، وسیله خاص جزء عناصر تشکیل‌دهنده جرم تن‌نمایی نیست، لکن در عمل وسیله در ارتکاب این جرم خصوصیت و ویژگی خاص خود را دارد و ارتکاب این جرایم تنها از طریق سامانه‌های رایانه‌ای امکان‌پذیر است. از آنجا که ارتکاب این جرم در بستر محیط دیجیتال انجام می‌شود و امکان ارتکاب آن در فضای فیزیکی وجود ندارد، سیستم‌های مخابراتی و حامل‌های داده نیز می‌توانند وسیله ارتکاب این جرم باشند.

با این اوصاف ماحصل و نتیجه جرم نیز مدنظر می‌باشد که دو نظریه در این خصوص مطرح و حاکم است. یکی از ارکان مادی برخی از جرایم نتیجه مادی آنهاست، همانند مرگ در قتل که جرم مقید به نتیجه است. درخصوص حصول نتیجه مجرمانه در جرم تن‌نمایی همان‌طور که بیان شد دو نظر را می‌توان ملاحظه کرد:

نظریه نخست اینکه این جرم از لحاظ حصول نتیجه مجرمانه، یک جرم «مطلق» بوده و صرف تحقق رفتار مجرمانه و تشکیل این بخش از عنصر مادی در آن موجب تحقق جرم و در نهایت مجازات مرتکب است. (۲۰)

نظریه دوم اینکه این جرم از لحاظ حصول نتیجه مجرمانه، یک جرم مقید بوده و صرف تحقق رفتار مجرمانه و تشکیل این بخش از عنصر مادی در آن موجب تحقق جرم نیست و در نهایت مجازات مرتکب است.

این نظر در دو قالب مطرح می‌شود:

اول اینکه این جرم به «جریحه‌دار شدن عفت عمومی یا به مخاطره افتادن امنیت اخلاقی» مقید باشد. به عبارت دیگر اگر جریحه‌دار شدن عفت عمومی یا به مخاطره افتادن امنیت اخلاقی نیز برای تکمیل عنصر مادی جرم، ضروری باشد، دیگر نمی‌توان مطلق بودن تن‌نمایی را تأکید کرد، بلکه می‌بایست به مقید بودن این جرم حکم نمود؛ لذا صرف رعایت نکردن حجاب شرعی در تصویر ارسالی یا توزیع شده یا منتشر شده و ... موجب تحقق جرم نیست. دوم اینکه بنابراین قرائت، جرم از حیث «جریحه‌دار شدن عفت عمومی یا به مخاطره افتادن امنیت اخلاقی» مطلق است و تحقق چنین چیزی ضروری نیست، اما از این حیث که تن‌نمایی اعم از فعل یا ترک فعل آن باید به رؤیت مخاطب یا مخاطبان منجر شود، مقید خواهد بود. به عبارت دیگر رؤیت به‌عنوان نتیجه می‌تواند مقید جرم تن‌نمایی به نتیجه باشد و با این تفسیر دیگر نمی‌توان مطلق بودن تن‌نمایی را تأکید کرد، بلکه باید به مقید بودن این جرم حکم نمود؛ لذا صرف رعایت نکردن حجاب شرعی در تصویر ارسالی یا توزیع شده یا منتشر شده و ... موجب تحقق جرم نخواهد بود. (۲۱)

به هر حال این دو نظریه با دو دیدگاه بیان شده می‌تواند درست باشد اما در این خصوص بایست شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر ارتکاب جرم را نیز مد نظر قرار داشت. در این عرصه ابتدائاً بایست در نظر گرفت که باید جرم‌انگاری گردد یا خیر. با توجه به مبانی جرم‌شناختی این یک واقعیت است که برنامه‌ریزی چه به صورت رسمی و غیر رسمی در حوزه پیشگیری از جرم این واقعیت را دامن می‌زند که تکلیف موضوع مطروحه بایست روشن گردد. چرا که تن‌نمایی در فضای مجازی وجود دارد و توالی فاسد بشمار می‌تواند داشته باشد. ازجمله بزه‌دیده شدن خود بزه‌کار در این عرصه. پس اگر با این رویکرد به موضوع توجه شود بایست بیان داشت به دلیل توالی فاسد این عمل جرم تن‌نمایی در عرصه فضای مجازی مطلق محسوب می‌گردد. اما اگر این موضوع را تنها از بعد اجتماعی و گستره اجتماع مورد واکاوی قرار دهیم بایست اذعان نماییم جرم مقید بوده و تنها زمانی نتیجه جرم مشهود و معلوم گردیده است که به نوعی باعث جریحه‌دار شدن عفت عمومی گردد.

درخصوص عنصر معنوی این جرم نیز بایست بیان کرد: تردیدی نیست که بزه‌کار باید از نظر روانی یا بر ارتکاب جرم انجام یافته قصد مجرمانه و عمد داشته باشد (جرائم عمدی) و یا در اجرای عمل به نحوی از انحاء و بی‌آنکه قصد منجزی برای ارتکاب بزه از او سر بزند، خطایی انجام دهد که بتوان وی را مستحق مسئولیت جزایی شناخت. اما این امور تمام

آنچه به عنوان عنصر معنوی نامیده می شود را دربر نمی گیرد و تنها بخشی از آن است و باید آنها را عناصر روانی معنوی نامید تا در مقابل آن بخش دیگر که عناصر معنوی غیر روانی هستند. مجال بروز و ظهور یابند و مجبور نشد آنها را برخلاف واقعیت امر روانی یا حتی مادی تلقی نمود.

علم و آگاهی مرتکب: یکی از اجزاء عنصر معنوی جرایم علم و آگاهی مرتکب است. یعنی نیاز است که شخص مرتکب علم به قانون و ممنوعیت رفتار داشته باشد و براساس ماده ی ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی، جهل فرد نسبت به حکم شرعی حجاب یا حدود و موازین آن مانع از مجازات مرتکب خواهد بود. همچنین علاوه بر علم به حکم، آگاهی و توجه وی به موضوع نیز لازم است. می بایست فرد بداند آنچه که در حال انتشار و ارسال و ... است، چیست و مخاطبی که پیام و داده را دریافت می کند، چه کسی است.

عمد مرتکب: جرم نمایی در فضای مجازی در زمره جرایم عمدی است، بنابراین اگر کسی از روی بی احتیاطی یا بی مبالائی تصویر خود را که فاقد حجاب شرعی است در اختیار دیگران قرار دهد، مجازات نمی شود یا اگر مجازات وی لازم باشد، بنابر برخی ادله قابل تعزیر است، لکن این بحث از موضوع و مجال تحقیق حاضر خارج است.

قصد نتیجه در تن نمایی مجازی علاوه بر اینکه در زمره جرایم عمدی است و قصد فعل در آن شرط است، قصد نتیجه یعنی قصد رؤیت شدن توسط مخاطب خاص نامحرم و غیرمجاز نیز در آن شرط است. لذا تحقق این جرم نیازمند سوءنیت عام است، ضمن اینکه فاقد سوءنیت خاص است. البته مطابق ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی، در جرایمی که وقوع آنها براساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید از سوی دادگاه محرز گردد. (۲۲)

انگیزه خاص: برخی معتقدند، در جرم تن نمایی مجازی قصد تحریک انگیزه های شهوانی مفروض است، لکن به نظر می رسد چنین انگیزه خاصی شرط نیست؛ لذا اگر دختری نه به انگیزه تحریک بلکه به انگیزه اذیت و آزار تصاویر برهنه خود را برای فرد سالمند یا برای دانشجوی مذهب هم کلاسی خود که از ملاحظه نکردن و تحریک نشدن وی اطمینان دارد ارسال کند، این تن نمایی مجرمانه خواهد بود. برخی رابطه سببیت را در عنصر مادی ذکر کرده اند. (۲۳) لکن به نظر می رسد این امر در عنصر مادی نمی گنجد. (۲۴) به تعبیر دقیق تر، عنصر معنوی غیرروانی است. زیرا اگرچه با حواس مادی درک نمی شود، اما روانی و در وجود انسان نیز نیست. هرچند قرائن سببیت ممکن است مادی باشند، اما خود سببیت قطعاً نه

مادی است و نه روانی، بلکه معنوی غیرروانی است. به هر وصف، در جرم تن‌نمایی باید میان رفتار مرتکب و رؤیت تن‌نمایی رابطه سببیت وجود داشته باشد والا اگر شخص به واسطه امر دیگری موفق به دیدن تصویر شده باشد، از منظر کیفری تن‌نمایی تحقق پیدا نکرده است. مانند اینکه شخصی با شکستن رمز عبور و سیستم امنیتی رایانه فرد دیگر، وارد اطلاعات وی شده و تصاویر زن صاحب رایانه را که فاقد پوشش شرعی ساست، ملاحظه کند (۲۵).

نتیجه‌گیری

حقوق بشر بیانگر حقوق و آزادی‌هایی است که بر کرامت انسانی افراد در هر جامعه، تأکید دارد و اینترنت نیز دانشی نوین جهت ارسال، پردازش، دسترسی و نشر اطلاعات با سرعتی فراوان است که گستره‌ای بی‌پایان را برای بشریت به ارمغان آورده است. بستر اینترنت گاه خود محلی برای نقض حقوق بشری و تخطی از ارزش‌های اخلاقی و انسانی می‌شود. یکی از آشکارترین آنها مقوله خشونت سایبری یا خشونت آنلاین علی‌الخصوص بر علیه زنان و دختران است که این موضوع منزلت و جایگاه زن را به چالش می‌کشد. حق بر آزادی بیان و حق بر خلوت دو رکن اساسی ضمانت بخش در راستای مقابله با خشونت علیه زنان به شمار می‌آیند. از مهمترین دلایل گسترش رو به افزون آسیب‌های جدید و نوپدید از جمله تبعیض علیه زنان و دختران و کودکان ناشی از فناوری‌های نوین و شبکه‌های مجازی، نبود آموزش از سوی خانواده و نظام آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها) به کودکان، نوجوانان و جوانان و عدم فرهنگ‌سازی صحیح از یک سو و تصویب قوانینی که نه تنها این افراد را در مقابل هجمه‌ها حمایت نمی‌کند که در برخی برهه‌ها خود موجبات تبعیض و خشونت تقنینی را ایجاد می‌کند. این باور که یکی از زمینه‌های اصلی در بروز مشکلات خانوادگی و اصولاً نارضایتی از زندگی مشترک، فضای مجازی و واپس‌گرایی از زندگی واقعی و گرایش به زندگی مجازی و خیالی است، موضوعی است که شخص نخست این بازیگری مطرود را زنان تشکیل داده و از منظر جامعه حتی در بین خود زنان و دختران آنها افرادی هستند که از فضای مجازی تأثیرات منفی بی‌حصر می‌گیرند. همین باور اشتباه موجب شده زنان در این فضا نیز مورد تبعیض واقع شده و هر شخص سعی در فریب زنان و کودکان را داشته باشد. موضوعی که در نهایت در برخی کشورها از جمله در نظام حقوقی جمهوری اسلامی، ابتدا قوانین سعی می‌کنند مقصران این امر را زنان جلوه داده و در نهایت قوانین را علیه آنها تنظیم نمایند. در

گامی دیگر تقصیر را در این فضا به صورت عام مورد توجه قرار می‌دهند. بنابراین تبعیض آغشته به خشونت علیه زنان و کودکان در فضای مجازی معضلی است که نه تنها در حقوق ایران که در گستره جهانی نمود و جلوه‌ای عینی دارد. این موضوع در پرتو تولیدات رسانه‌ای به اوج خود می‌رسد. از طرفی عدم ارضاء توقعات ایجاد شده زایش خشونت‌هایی است که معمولاً در محیط دیجیتال و علیه جنس مخالف به کار می‌رود. معمولاً در این فرآیند و معادله آن کسی که درگیر می‌باشد، زنان خواهند بود. تحت تأثیر این فضا، آنچه جوان می‌بایست از زندگی مشترک انتظار داشته باشد به نوعی تحریف می‌شود. به هر حال دولت‌ها باید در جهان امروز به واسطه تحول در مفهوم حوزه‌های علم و تکنولوژی ناگزیر است با پذیرفتن تحولات، باب جدید را در حوزه تقنین در حمایت مردم به ویژه کودکان و زنان ایجاد کند. عدم توجه به اخلاق در مواجهه با تکنولوژی در عصر حاضر سبب خلق پلتفرم‌ها و خدماتی از فناوری‌های هوش مصنوعی شده است که خارج از اراده و کنترل بشر است و در آینده‌ای نه چندان دور و با ادامه این روند شاهد شکل‌گیری نظم نوینی در اجتماع بشری خواهیم بود که در روش مواجهه با جامعه و قانون اثرگذار خواهد بود. تبعیض‌ها و نابرابری‌هایی که دختران در دنیای واقعی با آن مواجه هستند، در محیط دیجیتال نیز رایج و چه بسا گسترده است.

به‌عنوان پیشنهاد می‌بایست بیان نمود؛ جهت مبارزه با تبعیض در این فضا علیه زنان و دختران باید فناوری جدید را به‌عنوان توانمندسازی مشخصی در حوزه عملکردی برای زنان و دختران مورد شناسایی قرار داد. چرا که استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای پیشبرد برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان نه تنها برای زنان و دختران و حتی کودکان حیاتی است، بلکه برای دستیابی به دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار ضرورت فزاینده دارد.

References

- Owen, T & Owen, JA (2015). "Virtual Criminology; Insights from Genetic-Social Science and Heidegger". Journal of Theoretical and Philosophical Criminology, 7(1): 17-31.
- Tihihonen, J, et al (2014). "Genetic Background of Extreme Violent Behavior". Molecular Psychiatry, 20: 786-792.
- Ansarifard, Samia, (2016), investigation of violence against women in the cyberspace on the occasion of the International Day "Prohibition of Violence against Women"/Online Harassment, Vaqai Province Newspaper.

- Ardabili, Mohammad Ali, (2022), General Criminal Law, Tehran: Mezan Publishing House, vol.1, ch71.
- Buckels, E., et al. (2014). "Trolls Just Want to Have Fun". *Personality and Individual Differences*, 67(9): 97-102.
- Azimi Gorgani, Hadi, and Kermani, Samia, (2018), Violation of public modesty and its punishment, Tehran: Saba Publishing House, Ch2.
- Brown, Deborah, Pytlak, Allison, (2020), Why Gender Matters in International Cyber Security, Women's International League for Peace and Freedom and the Association for Progressive Communications.
- Demirhan, Kamil., & Çakir-Demirhan, Derya, (2015), Gender and politics: Patriarchal discourse on social media. *Public Relations Review*, Vol 41, <http://dx.doi.org/10.1016/j.pubrev.2014.11.010>.
- Garg, Mansi Jain, Patra, Subhasmita Subhadarsini, (2019), Protection Of Women In Cyber Space: Is It Illusionary Or Reality?, *Commonwealth Law Review Journal*, Annual Volume 5.
- Graham, Mark, (2020), The rise of the planetary labor market-and what it means for the future of work. *New Statesman*. Retrieved from <http://tech.newstatesman.com/guestopinion/planetarylabourmarket>
- Gurumurthy, A., Chami, N. and Billorou, C. A. (2020) Gender Equality in the Digital Economy: Emerging Issues. Issue paper 1, Digital Justice Project, DAWN and ITforChange. Development alternatives with women for a new era.
- Hosseini, Seyyed Mohammad, (2014), Criminal Policy in Islam and Iran, Tehran: Samit Publishing House, Ch4.
- Khosro Shahi Mutlaq, Mehdi, and Ehsanpour, Reza, (2008), jurisprudential and legal review of public chastity injury, Tehran: Mehr and Mah Nou.
- International Telecommunications Union. (2015). Cyber Violence Against Women and Girls: A World-Wide Wake-Up Call. A Report by the UN Broadband Commission for the Digital Development Working Group on Broadband and Gender. [Withdrawn, November].
- Martinson, Jane, (2020), Technology will widen pay gap and hit women hardest-Davos report. *The Guardian*. Retrieved from, <https://www.theguardian.com/inequality/2018/jan/21/technologywidenpay-gaphitwomensjobshardestdavosreport>
- Mir Mohammad Sadeghi, Hossein, (2019), Special Criminal Law, Tehran: Mizan Publishing House, Vol. 1, Ch. 29.
- Razmsaz, Babak, (2014), methods of preventing sexual crimes and violations of public modesty in the criminal policy of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Majd Publications.

- Safi, Lotfollah, (2015), Ta'zir al-Haqam and its limits, translator: Said Jamtahi Hossein Nejad; Hamed Abedi Firouzjaei; Qasim Nabizadeh Kobriya, Tehran: Mobaat Publishing House, ch.1.
- Sey, A. and Hafkin, N. (Eds.) (2019) Taking Stock: Data and Evidence on Gender Equality in Digital Access, Skills and Leadership. EQUALS Global Partnership. United Nations University Institute on Computing and Society/International Telecommunications Union: Macau.
- Shiva, Negar, Nosrat Kharazmi, Zohreh, (2019), The Fourth Wave of Feminism and the Lack of Social Realism in Cyberspace, Journal of Cyberspace Studies Vol 3, No. 2.
- Stella, Jenifer S, Kumari. Ambika S, (2022), Cyber Space - A Critical Analysis On The Feminine Facet, Journal of Legal Studies & Research, Vol¹, Issue¹.
- Walidi, Mohammad Saleh, (2018), Specific Criminal Law: Crimes Against Chastity and Public Morality and Family Rights and Duties, Tehran: Amir Kabir Publishing.
- Zahrawi, Reza, (2014), Women's body presentation in virtual space with a view to the teachings of Imami jurisprudence and Iranian law, Quarterly of the Social Cultural Council of Women and Family, Volume 18, No. 205
- Zarem, Abbas, (2023), the scope of crimes against chastity, Tehran: Jangal Publishing House, Ch37.
- Owen, T & Noble, W (2015). Towards a Genetic-Social Approach to Conflict. Bolton: Paper Delivered at Learning from Conflict National Conference, Macron Stadium.